

علم رجال و کتابشناسی علم رجال

ناهید باقری خرم‌دشتی^۱

چکیده

علوم اسلامی براساس تعالیم قرآن بنا شده‌اند و برای تبیین آیات آن می‌توان از احادیث منسوب به معصومین که از تفاسیر واضح هستند، استفاده کرد. برای اعتماد به احادیث، باید صحت و سقم آنها را با ابزار علم رجال بررسی کرد. هر یک از اقسام علوم اسلامی به دلایلی (که بعضی از آن ذکر خواهد شد) ملزم به فهم و رعایت علم رجال در وادی حدیث‌شناسی هستند. در آغاز آشنایی شیعیان با حدیث این کتاب‌ها به همراه مباحث رجال‌شناسی نوشته می‌شدند و نگارش این کتاب‌ها تاکنون ادامه دارد. بررسی و مقایسه این کتاب‌ها که در زمره کتاب‌های مرجع است، نشان می‌دهد که این کتاب‌ها گاه دارای ویژگی‌های منحصر به فرد و گاه دارای ویژگی‌های مشترک هستند. از خصوصیات مشترک آنها می‌توان به طبقه‌بندی مباحث اشاره کرد و همچنین محتوای کتاب‌ها. این مقاله به معرفی منابع و مراجع دست اول در زمینه اسلام‌شناسی به ویژه منابع ایرانی می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها

علم رجال، کتابشناسی علم رجال، کتاب‌های رجال

جایگاه علم رجال

کتاب خداوند به شکل کلی و یا مجمل آمده و به هر حال نیازمند به تفسیر است. اولین مفسر کتاب قرآن و بیان‌کننده احکام اسلامی، پیامبر اکرم (ص) و سپس ائمه معصوم (ع) هستند که آثار

پایه‌های علوم اسلامی در شاخه‌های مختلف، براساس تعالیم قرآن بنا نهاده شده است. علمای دین برای فهم مباحث قرآن، به مرجعی نیاز دارند که هم آیات الهی را تفسیر و تبیین کند و هم نکاتی را بسط و توضیح دهد که در

ایشان به شکل حدیث و سنت به دست کسانی رسیده که در محضر این حضرات نبوده‌اند. از طرف دیگر، بسیاری از کسانی که آن معصومین را به طور حضوری درک کرده‌اند، درباره آنچه باید به غائبان برسانند نتوانسته‌اند به عمد و یا به سهو، به طور صحیح و خالی از هر گونه شائبه‌ای ادای امانت‌کنند بنابرین در زمان غیبت معصومین (ع) نمی‌توان به سادگی به همه سخنان منسوب به ایشان اعتماد کرد و لازم

محققان علوم اسلامی همچون فقها، متکلمان، مفسران و نظایر آنها در مراحل اولیه تحقیقات تخصصی خود متمسک به احادیث هستند، به‌ویژه در زمینه تکالیف شرعی. از آن رو که قرآن همه احکام را (از نظر فقهی) صراحتاً تبیین نکرده، فقها برای رسیدن به احکام شرعی، باید به حدیث و سنت دست بیاویزند تا به وسیله آن بتوانند قرآن را تفسیر کنند و حکم الهی را از آن دریابند.

است همه احادیث بررسی شود تا صحت و سقم مطالبی که به معصوم (ع) استناد داده می‌شود به یقین به دست آید. بدینسان، محققان علوم اسلامی همچون فقها، متکلمان، مفسران و نظایر آنها در مراحل اولیه تحقیقات تخصصی خود متمسک به احادیث هستند، به‌ویژه در زمینه تکالیف شرعی. از آن رو که قرآن همه احکام را (از نظر فقهی) صراحتاً تبیین نکرده، فقها برای رسیدن به احکام شرعی، باید به حدیث و سنت دست بیاویزند تا به وسیله آن بتوانند قرآن را تفسیر کنند و حکم الهی را از آن دریابند. همین جاست که علم رجال ناگزیر پا به صحنه پژوهش می‌گذارد تا بتوان با بررسی احوال افراد حامل حدیث و تشخیص میزان راستگویی و دروغگویی و صلاح و فساد راویان، به ارزیابی احادیثی پرداخت که این راویان، مدعی صدور آن از معصومین (ع) شده‌اند.

لزوم علم رجال

در مقدمه معجم رجال الحدیث بحث مفصلی ست که این مطالب از آن مستفاد می‌شود: اصولیان با تمسک به چند دلیل، خود را ملزم به تحقیقات در علم رجال می‌دانند: ۱. قرآن بیان‌کننده کلیات و مهمات مباحث شرعی ست.

۲. با دله چهارگانه (قرآن، روایات، عقل و اجماع) ثابت شده که عمل به ظن، حرام است. از طرف دیگر هر چند استنباط حکم شرعی در بیشتر موارد، از روایات مأثور ممکن است اما استدلال‌های مبتنی بر روایات، برای ثبوت حکم شرعی، متوقف بر اثبات دو امر است: الف) اثبات حجیت اخبار آحاد؛ ب) اثبات حجیت ظواهر روایات برای مردم هر دوره‌ای غیر از عصر صدور روایات.

۳. سیره عقلا چنین بوده که پایه‌های علوم را بر حجیت خبر واحد، بنا گذارده‌اند (هر چند علمایی همچون شیخ مفید و سید مرتضی خبر واحد را حجت نمی‌دانند).

۴. برای رسیدن به حکم شرعی، اجماع علما به شدت نادرالوقوع است.

۵. همه روایات کتب اربعه شیعه، نه صحیح‌اند و نه می‌توان حکم داد که قطعی‌الصدورند. بنابراین وظیفه فقیه است که تشخیص دهد کدام خبر از معصوم رسیده و در صورت قطعیت صدور آن، کدام ثقه است و کدام حسن و نظایر آن. (۸: ج ۱، ص ۱۹-۲۱).

۶. اساساً پایه علم رجال بر دو مبحث بنیان نهاده شده است:

۶-۱ دو آیه:

الف) آیه نبأ سوره حجرات: یا ایها الذین امنوا جاءکم فاسق بنیاء فبتینوا ان تصیبوا قوماً بجهالة فتصبحوا علی ما فعلتم نادمین.

ب) آیه اول سوره احزاب: یا ایها النبی اتق الله و لا تطع الکافرین و المنافقین ان الله کان علیماً حکیماً.

۶-۲ حجیت خبر واحد.

۷. از آنجاکه حجیت حدیث وابسته به میزان صحت و سقم آن است، برای اثبات حجیت آن، وسیله و علمی ساخته شد که صحت و سقم حدیث را با به کارگیری آن می‌توان دریافت. علم "مصطلح الحدیث" که نزد شیعه همان "درایه" است، شعبه‌ای دارد به نام رجال که موضوع آن، مفردات یعنی نام اشخاص موجود در سند حدیث است. چگونگی ارتباط راویان با همدیگر در سند روایات، در علم درایه بررسی می‌شود؛ ولی علم رجال، علمی ست که برای تشخیص راویان حدیث از نظر ذات، وصف، مدح و قدح افراد، وضع شده است. به همین دلیل است که تعداد و وسعت مفردات (یعنی اشخاص) مورد بحث در این علم، آن را از علم اعم خود (یعنی درایه) هم وسیع‌تر نموده است.

بدین ترتیب تشخیص اینکه خبری که از معصوم (ع) رسیده است موثق است یا حسن و نظایر آن، فقط با به کارگیری "علم رجال" ممکن است.

نیاز به علم رجال

هر علمی که پایه‌اش براساس حدیث باشد، نیازمند به علم رجال است، اما برخی علماء به دلایلی معتقدند که نیازی به علم رجال نیست.

دلایل بی‌نیازی به علم رجال

۱. دلیل: با استدلال به قاعده لطف، در استنباط احکام فقهی، علما دارای مصونیت هستند.

پاسخ: عالمان اصول فقه، قاعده لطف را بیشتر مربوط به خطابه و شعار می‌دانند تا قاعده‌ای حتمی و جزمی که در امور حقیقی و علمی به کار آید.

۲. دلیل: برخی متقدمین و نیز متأخرین همچون تستری معتقدند: اول باید متن حدیث را بررسی کرد اگر بیشتر فقها به آن اعتماد کرده باشند دیگر نیازی به بررسی سند و به تبع آن، علم رجال نیست.

پاسخ: اهل فن می‌دانند که در وضع کردن حدیث، به گونه‌ای متن را می‌آریند که ای بسا نتوان از ظواهر امر پی به ساختگی بودن آن برد. بنابراین با استناد به آیه نأ سوره حجرات، بررسی هر خبری ابتدا تبیین وضعیت مخبر آن را می‌طلبد.

پیشینه علم رجال

قبل از تدوین علم رجال، هر حدیث پژوهی که نزد استاد موثق و معتمد خود تلمذ می‌کرد، بعد از مدتی از همان استاد، سراغ استادان دیگر را می‌گرفت تا از افراد مورد اطمینان دیگر، حدیث بیاموزد؛ این همان علم رجال در ابتدای پیدایش بود.

سپس عده‌ای همین نظرات استادان درباره علمای دیگر را که در سینه شاگردان آنها محفوظ می‌ماند در جزوه‌ای جمع کردند و علم رجال را به صورت مکتوب در آوردند. شیخ طوسی در زمان خود، دست به کار فهرستنویسی شد و فهرستی از رجال ارائه داد که شکل جدیدی به علم رجال بخشید، در واقع آن زمان، علم رجال عبارت شد از فهرست شیخ طوسی.

مشيخه‌هایی همچون مشيخه حسن بن محبوب (از يك نظر) كتاب رجالي محسوب می‌شوند. از زمان مشيخه حسن بن محبوب تاکنون حدود ۵۰۰ نفر كتاب رجال نوشته‌اند که بیشتر آنها در صدر اول بوده و در اختيار شيخ طوسي و متقدمين هم قرار گرفته ولی بعدها از بين رفته است.

كتاب‌های رجال در واقع كتاب حدیث بوده‌اند که دست به دست به شاگردان می‌رسیده و هر کس بدان چیزی می‌افزوده مثلاً كتاب حسن بن فضال به دست فرزندش علی بن حسن فضال می‌رسد سپس این كتاب به دست محمد بن مسعود عیاشی می‌رسد و از دست او به ابن الغضائری و از دست ابن الغضائری به کثی می‌رسد.

كتاب‌های متقدم و اهمیت آنها

اصول رجال شيعه پنج كتاب است:

(۱) رجال برقی،

(۲) رجال نجاشی،

(۳) رجال کثی،

(۴) رجال شيخ طوسي،

(۵) فهرست شيخ طوسي (۸: ج ۱، ص ۱۰۱).

ارزش كتاب‌های رجالي متقدم به توثيق و جرح و تعديل و ویژگی‌های راویان است هر چند جرح و تعديل‌ها به دليل نزدیک بودن عصر رجالیون با زمان راویان، ریشه

قبل از تدوین علم رجال، هر حدیث پژوهی که نزد استاد موثق و معتمد خود تلمذ می‌کرد، بعد از مدتی از همان استاد، سراغ استادان دیگر را می‌گرفت تا از افراد مورد اطمینان دیگر، حدیث بیاموزد؛ این همان علم رجال در ابتدای پیدایش بود.

شفاهی و شهادت‌های حسی و ظاهری دارد و همین امر باعث حجیت داشتن سخن رجالیون صدر اول می‌شود؛ لکن باید در علم رجال، معیار توثیق و شناسایی هویت‌ها را از دیدگاه هر عالم رجالی دانست. زیرا چه بسا معیار یک عالمی برای دیگران منطقی و صحیح قلمداد نمی‌شود، از همین روست که درباره کتب حتی متقدمین، داوری‌های متفاوت شده است.

اما ارزش کتاب‌های رجالی متأخر به دلیل مباحث جدید و زمینه استنباط‌های نویی است که به دست می‌دهند هر چند این علم به دلیل پایه بسته و نامتغیری که دارد (به علت محدود بودن منابع این علم) دانشی بسته و محدود به نظر می‌آید.

در میان اهل سنت هم سه کتاب از اصول رجالی محسوب می‌شود:

۱. تهذیب ابن حجر عسقلانی،
۲. علل الحدیث احمد بن حنبل (معاصر با امام رضا^ع)،
۳. جرح و تعدیل ابن ابی حاتم رازی.

ویژگی‌های کتاب‌های رجالی

بعضی از ویژگی‌های کتاب‌های رجالی، در نمونه‌هایی خاص، منحصر به فرد شده است و بعضی از خصوصیات، در تعدادی از کتاب‌ها، مشترک می‌نماید. ویژگی‌های نسبتاً مشترک، گاهی به ظواهر و استخوان‌بندی تألیفات برمی‌گردد و گاه به محتوای کتاب‌ها مربوط می‌شود. اینک به بعضی خصوصیات اشاره می‌شود:

۱. ویژگی‌های منحصر به فرد

اولین کتاب رجالی، منسوب به امام صادق (ع) است به نام بحر الانساب؛ هر چند به ابو مخنف و سید مرتضی هم نسبت داده شده است. (۳: ج ۲، ص ۵: ۵: ج ۲، ص ۴۸).

مضبوط‌ترین، متقن‌ترین و مهم‌ترین کتاب رجالی قدما، رجال نجاشی است که پایه کتاب‌های رجال بعد از خود در میان شیعیان است (۱۳: ج ۱۴، ص ۳۴: ۴: ج ۴، ص ۳۰۵: ۶: ج ۷، ص ۳۲۴ و ج ۹، ص ۶۹ و ج ۱۳، ص ۴۳: ۲: ج ۶، ص ۶۰۸). جامع‌ترین کتاب رجالی رجال کبیر استرآبادی یعنی منهج المقال است که به واسطه تألیف آن، مؤلفش را به صاحب رجال شهرت داده و باز می‌شناساند.

منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال شامل سه جزء است که در آن حدود ۶۶۶۵ نفر معرفی شده‌اند. ۶۰۲۵ نفر به نام، ۵۰۵ نفر به کنیه، ۶۸ نفر به لقب، ۶۷ نفر زن. نام‌ها به ترتیب حروف الفبای حرف اول و دوم، تنظیم شده‌اند. در این کتاب، نام کتاب‌های رجالی مورد استفاده و استناد نویسنده ذکر شده و برای آنها رمزهایی تعیین شده است.

همچنین در ابتدای کتاب، علائم اختصاری که در سراسر کتاب خود برای خاندان عصمت (ع) ساخته است و مدارک مورد استناد خود را ذکر می‌کند. کتاب دارای خاتمه‌ای شامل ۱۰ فایده رجالی است.

حالات راویان شیعه بنابر آنچه علما نوشته‌اند و نیز سخن اهل سنت در این باره، و حتی شرح حال بعضی رجال اهل سنت را هم بیان می‌کند. (۶: ج ۱۰، ص ۳۶۲ و ج ۱۳، ص ۶۸ و ج ۸، ص ۴۵۵: ۱۰: ج ۱، ص ۲۱۵: ۲: ج ۶، ص ۶۲۸: ۹: ج ۸، ص ۳۳۶: ۱۳: ج ۴، ص ۱۱۹: ۱: ج ۲۳، ص ۱۹۸).

کتاب‌های اصلی متقدمین عبارتند از:

۱. رجال الغضائری (و از نظر عده‌ای دیگر: رجال برقی)،
 ۲. رجال نجاشی،
 ۳. رجال کشی،
 ۴. فهرست طوسی،
 ۵. رجال طوسی (۸: ج ۱، ص ۱۰۱).
- کتاب‌های مهم متأخرین عبارتند از:
۱. رجال کبیر استرآبادی،
 ۲. خلاصة الاقوال علامه حلی،
 ۳. مشترکات کاظمی یا هدیة المحدثین.
- کتاب‌های مهم معاصر عبارتند از:
۱. الذریعة آقا بزرگ طهرانی،
 ۲. معجم الرجال آیت الله خویی،
 ۳. روضات الجنات میرزا محمدباقر موسوی خوانساری.

جدول: از کتاب‌های نادری که رجال شیعه را در جدول‌هایی (۸ جدول) از یکدیگر تفکیک و بازشناسانده، کتاب مشجر الرجال الثقات از بهاء الدین محمد بن حسین عاملی است (۴: ج ۳۵، ص ۴۲۷).

شعر: یکی از نادرترین کتاب‌هایی که در زمینه رجال، به نظر درآمده: منظومه فی الرجال از محمد بن عبدالله است. **جمع‌آوری همه اصول در یک جا:** سید بن طاووس جمال‌الدین احمد بن موسی در تحریر طاووسی پنج کتاب مهم رجال شیعه را در یک جا گردآورده و آن را حل الاشکال فی معرفة الرجال نامیده است. (۱۳: ج ۴، ص ۲۴۶: ۹: ج ۲، ص ۵۲۸: ۱: ج ۳، ص ۳۸۵: ۲: ج ۶، ص ۵۹۰).

ترتیب الفبایی: اولین کتاب رجالی که براساس ترتیب الفبایی همه حروف اسامی افراد مرتب شده، رجال ابن داود است (۶: ج ۱۳؛ ۴۰۹؛ ۱۳: ج ۲، ص ۷۳؛ ۹: ج ۲، ص ۵۷۳؛ ۱۲: ج ۲، ص ۲۳۱؛ ۱۰: ج ۳، ص ۱۱۳۴؛ ۴: ج ۲، ص ۸).

۲. ویژگی‌های نسبتاً مشترک

۱-۲. ویژگی‌های صوری

– با مطالعه و مقایسه کتاب‌های رجالی با یکدیگر می‌توان آغاز بحث رجال را بررسی کرد و مبحث انساب پیامبر اکرم (ص)، سپس ائمه معصوم (ع) و صحابه آنان را دانست تا برسد به علمای متأخر و معاصر.

– از "رجال" شخصیت‌های زیر استنباط می‌شود: راوی حدیث، مؤلف، عالم و فقیه، مشاهیر، شاعر (اعم از زن و مرد، هر چند که تعداد زنان در هر گروه بسیار کمتر از مردان بوده است).

– بعضی به همراه علم رجال، مباحث درایه هم در کتاب خود مطرح کرده‌اند مانند: جامع الاقوال فی معرفة الرجال از سید یوسف بن محمد بن محمد رضا حسینی عاملی (سده ۱۰ ق. ۱۳: ج ۹، ص ۷۹؛ ۱: ج ۵، ص ۴۲).
– در کتاب‌های مختلف، معیارهای متفاوتی برای طبقه‌بندی مباحث، اسامی مورد بحث و تألیف مطالب، به کار رفته است. عمده معیارهایی که در این کتاب‌ها لحاظ شده عبارتند از:

معیار طبقه‌بندی مباحث

طبقه‌بندی نام‌ها

۱. نام افراد: در بعضی کتاب‌ها نام افراد در مباحث رجالی براساس حروف الفبا مرتب شده است.
۲. نام اهالی مکان خاصی: در بعضی کتاب‌ها، نام رجال اهل یک مکان خاصی ذکر شده‌اند مانند *أهل الأمل* از شیخ حر عاملی که درباره علمای جبل عامل است و نیز *ضیافة الاخوان* و *هدية الخلان* از رضی‌الدین محمد بن حسن قزوینی که درباره راویان و علمای قزوین است (۴: ج ۶، ص ۵۸۶؛ ۱: ج ۲، ص ۳۵۰ و ج ۴، ص ۴۵).
۳. نام فرد مروی عنه: در بعضی کتاب‌ها، رجالی را ذکر کرده‌اند که یک راوی خاصی از آنها روایت، نقل کرده است مانند *مشیخه تلکبری* از سید کمال‌الدین بن حیدر

عاملی که نام ۱۰۴ مرد و زن را آورده است که هارون بن موسی تلکبری از آنان روایت، نقل کرده است.

۴. نام افرادی با صفت مشترک خاص: بعضی صفت ویژه‌ای را مایه تألیف کتاب خود قرار داده‌اند مانند نام ضعفا یا نام‌های مشترک همچون مشترکات کاظمی (۱: ج ۲۱، ص ۴۰ و ج ۲۵، ص ۱۹۰؛ ۱۳: ج ۸، ص ۱۲۵؛ ۳: ج ۱، ص ۲۹۸).
۵. نام گروه‌هایی با صفات خاص: اصطلاح‌های ویژه‌ای

جامع‌ترین کتاب رجالی رجال کبیر استرآبادی یعنی منهج المقال است که به واسطه تألیف آن، مؤلفش را به صاحب رجال شهرت داده و باز می‌شناساند.

منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال شامل سه جزء است که در آن حدود ۶۶۶۵ نفر معرفی شده‌اند. ۶۰۲۵ نفر به نام، ۵۰۵ نفر به کنیه، ۶۸ نفر به لقب، ۶۷ نفر زن. نام‌ها به ترتیب حروف الفبای حرف اول و دوم، تنظیم شده‌اند.

همچون "اصحاب اجماع"، "عده کلینی"، در علم رجال شیعه وجود دارد؛ بعضی همچون حجة الاسلام شفتی کتاب خاصی درباره افراد این گروه‌ها تألیف کرده‌اند (۱: ج ۲۰، ص ۲۴۶؛ ۴: ج ۴، ص ۳۰۸).

۶. درباره یک فرد خاص: بعضی کتاب‌ها درباره یک فرد خاص تألیف شده مثل کتاب سلیمان بن عبدالله ماحوزی بحرانی که درباره کیستی محمد بن اسماعیل بحث می‌کند که در آغاز اسانید کلینی واقع شده است و اثبات می‌کند این شخص، ابن بزیع نیست بلکه محمد بن اسماعیل بندقی نیشابوری است.

۷. کتب جامع: در بعضی از کتاب‌ها مباحث وسیعی مطرح شده که شامل همه نوع رجالی اعم از ممدوحین، مذمومین و نظایر آن است مانند نقد الرجال یا رجال میر مصطفی از سید مصطفی بن حسین تفرشی (۱: ج ۶، ص ۲۲۷ و ج ۲۴، ص ۲۷۴؛ ۶: ج ۱۲، ص ۱۰۸؛ ۱۳: ج ۱، ص ۱۶۲).

۸. طرق اجازه حدیث: بعضی کتاب‌های رجالی، ظاهراً حاوی طرق اجازه حدیث است اما مباحث به گونه‌ای است که جنبه رجالی دارد مانند اشجار هدایة المجیزین فی طرق الروایة للمحدثین از محمد بن علی التنبی العاملی که

۵۸ شجره طرق اجازه‌روایی را نقل کرده است (۱۱: ۱۷۱).
 ۹. جامع افراد اصول رجالی و کتاب‌های اربعه شیعه:
 شیخ عبداللطیف بن علی بن احمد عاملی حویزی در
 رجال خود، نام رجال مطرح شده در کتاب‌های اربعه شیعه
 را که در کتاب‌های اصلی رجال شیعه آمده یعنی کثی،
 نجاشی، شیخ طوسی و علامه حلی را ذکر می‌کند و منبع
 سخن خود را هم نقل می‌کند (۱۳: ج ۸، ص ۳۸۹).
 بعضی کتاب‌های رجالی فقط نام‌ها را ذکر می‌کنند،
 بعضی دیگر مدح و ذم‌ها را هم نقل کرده‌اند، برخی هم
 شرح حال افراد را بیان می‌کنند.

اسامی مشترک، کار مهم و تخصصی علمای رجالی است و
 چه بسا که عالمی با دلایل خود صاحب‌نامی را به
 نامی منتسب کند که عالم دیگر عکس آن را با دلایل خود
 ثابت کرده است.

- در علم رجال، شناخت طبقات محدثین، بسیار
 اهمیت دارد. کتاب طرائف المقال فی معرفة طبقات
 الرجال از سید علی اصغر بن محمد شفیع جابلقی
 بروجردی در همین مقوله، بحث کرده است (۱۳: ج ۲۰،
 ص ۳۷).

اهمیت ذکر سند و دلیل

- در بیان مدح و ذم افراد، بیان دلیل هر مدح یا
 ذمی اهمیت فراوان دارد. همچنین ارائه سند هر دلیل هم
 مهم است به‌ویژه در کتاب‌های متأخرین، ذکر سندها که
 همان کتاب‌های متقدمین باشد بسیار ضروری است زیرا
 همه بحث علم رجال عبارت است از همین مدح و ذم‌ها
 و براساس همین تأیید و تردیدهاست که حدیثی مورد
 پذیرش و منشأ یک حکم قرار می‌گیرد یا مورد اعتنا واقع
 نمی‌شود.

گذشته از اهمیت ارائه سند، بعضی از نویسندگان مانند
 صاحب رجال ابن داود برای مصادر خود و برای سهولت
 تألیف و نیز بازیابی اطلاعات، رمزهایی ساخته است که به
 خواننده و محقق کمک می‌کند (۱۳: ج ۲، ص ۷۳؛ ج
 ۱۳، ص ۴۰۹؛ ج ۹: ۲، ص ۵۷۳).

- هر چند کتاب‌هایی هم یافته می‌شوند (به‌ویژه در
 نسخه‌های خطی) که نام مؤلف خود را هم ندارند!

- کتاب‌هایی هم هست که هیچ توضیحی در
 فهرست‌های معرف آنان درباره آنها نیامده مثل کتاب شریف
 نجم‌الدین ابوالحسن علی بن محمد علوی عمری نسابه ابن
 الصوفی (زنده در ۴۲۵ ق.) به نام المجدی فی نسب العلویین
 در فهرست کتابخانه ملک (۵: ج ۱، ص ۶۳۴).

- در بیشتر کتاب‌های رجالی، مطالبی که درباره خود
 علم رجال است با عنوان فوائد رجالی بیان شده است.

- در عنوان کتاب‌های رجالی، به کار بردن کلمه اقوال و
 مقال تقریباً عمومیت دارد.

- بعضی در کار ارائه آمار بوده‌اند مانند ابن خلکان در
 وفيات الاعیان که ۸۲۵ نفر را ذکر کرده است؛ در بعضی
 کتاب‌ها هم مباحث علم رجال مطرح شده است از جمله:

۲-۲. ویژگی‌های محتوایی

- کتاب‌های رجالی اساساً وابسته به تألیفات قبل از
 خود و به‌ویژه رجالیون متقدم است چون شالوده این
 کتاب‌ها نام افرادی است که گذشتگان، ذکر کرده‌اند بنابراین
 هر تحقیق جدیدی، محدود به پژوهش‌ها و یافته‌هایی است
 که تاکنون صورت گرفته و همین امر باعث شده علم
 رجال، دانشی بسته و محدود به نظر آید. کتاب منتهی
 المقال فی علم الرجال از ابوعلی محمد بن
 اسماعیل (معروف به رجال ابی علی) از همین قسم است.
 این کتاب کاملاً از منهج المقال استرآبادی و حاشیه منهج
 المقال از محمدباقر بهبهانی، گردآوری و منتج شده است
 (۱: ج ۶، ص ۸۷ و ج ۲۳، ص ۱۳؛ ج ۶: ۱۳، ص ۷۷؛ ج
 ۶، ص ۶۲۵).

**نام‌های مشترک، مهم‌ترین معضل
 رجال‌شناسی است. چون بعضی از نام‌ها میان
 افراد ثقه و غیرثقه مشترک است، آنها که
 حدیثشان مورد اعتماد و اعتناست با آنها که
 حدیث منقول آنها، مردود است. باز شناسی
 مسماهای متفاوت از اسامی مشترک، کار مهم
 و تخصصی علمای رجالی است**

- نام‌های مشترک، مهم‌ترین معضل رجال‌شناسی است.
 چون بعضی از نام‌ها میان افراد ثقه و غیرثقه مشترک است،
 آنها که حدیثشان مورد اعتماد و اعتناست با آنها که حدیث
 منقول آنها، مردود است. باز شناسی مسماهای متفاوت از

علامه حلی در خلاصه الاقوال که به مباحث راوی شناسی پرداخته است (۱: ج ۲۵، ص ۱۲۵ و ج ۷، ص ۲۱۴؛ ج ۴: ج ۲۶، ص ۴۸۰؛ ج ۶: ج ۱۳، ص ۴۰۸؛ ج ۹: ج ۲، ص ۵۶۵).

انواع کتاب‌های رجالی

الف) بعد از کتاب‌های اصلی رجال، بعضی نویسندگان، پایه تألیف خود را نگارش‌های دیگران قرار داده‌اند؛ از جمله:

- مستدرک‌ها. مانند: ملا عبدالله شوشتری اصفهانی صاحب ریاض العماء، که کتاب ضعف‌البن‌الغضائری را با مستدرکی، تکمیل نموده است (۱۳: ج ۱، ص ۱۷۵؛ ج ۲، ص ۶۱۲).

- تلخیص‌ها. مانند: محقق حلی، فهرست شیخ طوسی را خلاصه کرده است (۱۳: ج ۱۶، ص ۶۴).

- ترتیب‌ها. مانند: عنایة الله قهپایی، فهرست شیخ طوسی را مرتب نموده است (۱: ج ۴، ص ۶۶؛ ج ۵: ج ۳، ص ۱۲۹۱).

- شرح‌ها. مانند: سلیمان بن عبدالله ماحوزی بحرانی در معراج اهل الکیمال الی معرفة الرجال، فهرست شیخ طوسی را شرح داده است (۱: ج ۲۱، ص ۲۲۸ و ج ۱۳، ص ۳۸۸؛ ج ۹: ج ۱۳، ص ۲۲۴).

- ترجمه‌ها. مانند: محمدباقر بن محمدحسین تبریزی، خلاصه الاقوال علامه حلی را ترجمه کرده است (۱۳: ج ۱۹، ص ۲۳۴؛ ج ۴: ج ۱۷، ص ۳۳۹).

- حاشیه‌ها. برای مثال: محمدباقر بن محمد استرآبادی، بر رجال کشی حاشیه نوشته است (۱۳: ج ۸، ص ۲۱۷).

- شرح حاشیه‌ها. علی بن حسین خاقانی نجفی تعلیقه و بهیجانی رجال استرآبادی را، شرح داده است (۲: ج ۶، ص ۶۱۳).

- تلخیص شرح‌ها. سلیمان بن عبدالله ماحوزی بحرانی در بلغة‌المحدثین شرح خود بر فهرست شیخ طوسی را خلاصه کرده است (۱۳: ج ۱۱، ص ۳۵۸؛ ج ۱: ج ۳، ص ۱۴۶).

ب) بعضی از علمای رجالی، چندین کتاب رجال دارند مانند:

- شیخ طوسی با کتاب‌های: فهرست، ابواب، اختیارکشی (۱: ج ۱، ص ۷۳ و ۳۶۵ و ج ۱۶، ص ۳۸۴).

- محمدبن علی استرآبادی با سه کتاب: رجال

کبیر (منهج المقال)، رجال و سبیط (تلخیص الاقوال) و رجال صغیر (توضیح المقال) (۱: ج ۲۳، ص ۱۹۸ و ج ۱، ص ۴۳؛ ج ۴: ج ۴، ص ۳۰۴).

تفاوت نظر علما

بعضی راویان همچون احمدبن محمدبن خالد برقی با قضاوت‌های متفاوتی از طرف علمای رجالی تأیید یا رد شده‌اند. برخی مانند قاضی نورالله شوشتری کتاب او را

انگیزه دفاع از شیعیان، عامل پیدایش بسیاری از کتاب‌های رجال شیعه بوده است، و بسیاری از مؤلفان این را در دلیل نگارش کتاب خود ذکر کرده‌اند؛ مانند: محمدبن محمدبن علی حمدانی قزوینی که در فهرس اسماء علماء الشیعه و مصنفیهم ذکر مشایخ و علمای شیعه را بهانه‌ای برای تألیف کتاب خود دانسته است.

پنجمین سرچشمه خبر شیعه دانسته و بعضی همچون ابن الغضائری او را تضعیف کرده است؛ تضاد نظر علما درباره راویان بسیار قابل تأمل است.

حجة الاسلام شفتی رساله‌ای مستقل برای احمد برقی (و نیز دیگران) نگاشته است. (به نظر می‌رسد هیچ‌گاه به اندازه امروز در تقدیس علما افراط نشده باشد).

بعضی علما خلاصه الاقوال علامه حلی را بر غلط می‌دانند، بعضی به کتاب رجال ابن داود اعتنا نمی‌کنند؛ عده‌ای رجال ابن الغضائری را رد می‌کنند و برخی آن را تأیید می‌کنند؛ مانند صاحب الذریعه که رجال ابن الغضائری را به معاندان شیعه نسبت می‌دهد که هدف آنها بدنام کردن علمای شیعه بوده است، از طرفی ملا عبدالله شوشتری اصفهانی صاحب ریاض العلماء بر کتاب ابن الغضائری مستدرک می‌نویسد و بدین ترتیب آن را تأیید می‌کند (۱۳: ج ۱، ص ۱۷۵؛ ج ۹: ج ۲، ص ۶۱۲).

نکته

- انگیزه دفاع از شیعیان، عامل پیدایش بسیاری از کتاب‌های رجال شیعه بوده است، و بسیاری از مؤلفان این را در دلیل نگارش کتاب خود ذکر کرده‌اند؛ مانند:

و معارف اسلامی مشهد. مشهد: دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد، ۱۳۹۶ق.

۱۳. مرعشی، محمود. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیه‌الله‌العظمی مرعشی نجفی. قم: کتابخانه بزرگ حضرت آیه‌الله مرعشی، [۱۳۴۵]-

۱۴. مشار، خانابا. فهرست کتاب‌های چاپی عربی ایران. تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴.

۱۵. موسوی خوانساری اصفهانی، محمدباقر. روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات. تهران: اسلامیه، ۱۳۵۶.

تاریخ دریافت : ۱۳۸۳/۲/۶

محمدبن محمدبن علی حمدانی قزوینی که در فهرس اسماء علماء الشیعه و مصنفیهم ذکر مشایخ و علمای شیعه را بهانه‌ای برای تألیف کتاب خود دانسته است.

— آیا برای امروز هم، علم رجال، زمینه و طرح و بررسی و تحقیق جدید دارد؟

— آیا می‌توان معیارهای سنجش راویان را تغییر داد؟

— آیا می‌توان برای سهولت به‌کارگیری این علم برای انتخاب احادیث صحیح و ناصحیح، از رایانه هم بهره جست یا خیر؟

منابع

۱. آقا بزرگ طهرانی، محمدمحسن. الذریعه الی تصانیف الشیعه. طهران: اسلامیه، ۱۳۵۵ق.
۲. اردلان جوان، سیدعلی. فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی. مشهد: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵.
۳. استادی، رضا. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه فیضیه قم. قم: [بی‌نا]، ۱۳۹۶ق.
۴. اعتصامی، یوسف. فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی. تهران: مجلس، ۱۳۱۱.
۵. افشار، ایرج. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک، وابسته به آستان قدس رضوی. محمدتقی دانش پژوه، با همکاری محمدباقر حجتی و احمد منزوی. [تهران]: نشر فرهنگ، ۱۳۶۴.
۶. انوار، سیدعبدالله. فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. ج ۱، ۲ و ۳، چاپ دوم، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۵.
۷. حجتی، محمدباقر. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی، با تحقیق و نظارت محمدتقی دانش پژوه. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۵.
۸. خویی، ابوالقاسم. معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة. بیروت: دارالزهراء، ۱۴۰۹ق.
۹. دانش پژوه، محمدتقی. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۷.
۱۰. فاضل، محمود. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه جامع گوهرشاد مشهد. مشهد: کتابخانه جامع گوهرشاد، ۱۳۶۳.
۱۱. همو. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی. مشهد: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، ۱۳۵۴.
۱۲. همو. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده الهیات